



دکتر جلالی، مدیر گروه
رشته هوافضای دانشگاه پیامنور

امکاناتی که خودساخته است

رشته مهندسی هوافضا از سال ۹۰ در دانشگاه پیامنور کل کشور تأسیس شد که مرکز مشهد در این بین پیشرو بود. دانشجویانی وارد دانشگاه شدند که پتانسیل‌های ذاتی داشتند و با ورود به درس‌های تخصصی مثل استاتیک، آشنایی با هواپیما، آیرودینامیک و اصول جلوبرنده وارد زمینه‌های فوق برنامه و پژوهشی شدند. آن‌ها با کمک برخی از دانشجویان پیشرو مثل شهید اسدی - که رشته‌اش هم متفاوت بود ولی کمک‌های علمی و کاربردی می‌کرد - توانستند کمیته هوافضا را تأسیس کنند. در واقع کمیته و انجمن علمی هوافضا مقری شد برای به هم پیوستن دانشجویان مستعدی که علاوه بر درسشان، کار پژوهشی و فوق برنامه هم انجام دهند. دو عاملی که به چهار موفق کرد، یکی توکل به خدا و دوم اعتماد به نفس و پشتکار خودشان بود. در واقع دانشجویان اینجا از صفر مطلق و حتی از منفی شروع کردند. امکانات آن‌ها خودساخته بود. مابرایشان کلاس گذاشتیم و استاد دعوت کردیم تا سال ۹۳ پیشرفت کردند و حرف‌هایی برای گفتن داشتند. شروع کار هم با مسابقات گلابدر بود. گلابدر یک هواپیمای سبک بدون موتور است که دانشجویان برای ورود به آیرودینامیک هواپیمایی توانستند کار را با آن شروع کنند. خوشبختانه الان در بحث گلابدر به جایی رسیدند که جزو نخستین‌های کشور هستند. در بخش‌های دیگر هم از رقبایشان پیشی می‌گیرند. حتی دانشگاه‌هایی بودند که آمدند دانشگاه ما و دانشجویان را دعوت به همکاری کردند تا به اسم دانشگاه آن‌ها بروند و مقام بیاورند که از این کار نهی کردیم. من به عنوان معاون سابق دانشگاه می‌گویم که بضاعت دانشگاه در برخی موارد محدود بود و برخی موارد نمی‌توانست از دانشجویان حمایت کند. بعضی جاها دستم رسید و کمک کردم، ولی بعضی جاها هم خودشان پول جمع کردند و کار را راه انداختند. کارهای دانشجویی بسیاری انجام دادند، ولی کارهای غیر مرتبط با رشته هم انجام دادند تا محل درآمد باشد.

می‌گفت: «یک بال درست کنید که من هم بتوانم سوارش بشوم» و بعد همه می‌خندیدند. انگار همه دنبال لبخند او بودند، دنبال رضایتمندی او تا لبخند روی لب همه‌شان بنشیند و خستگی از تنش بیرون برود. سلیمانی می‌گوید: حرف و عمل شهید اسدی به معنای واقعی یکی بود. یاد می‌آید برای اعزام به یکی از جشنواره‌ها دانشگاه پول بلیت را نداد و اسدی بدون اجازه منشی رفت داخل اتاق رئیس، در را بست، پول را گرفت و از اتاق بیرون آمد. او یک دانشجوی مطالبه‌گر واقعی بود. همچنین کاریزهای خوبی بین دبیران انجمن علمی و دبیران شورای انجمن علمی داشت. در دوره او ۳۳ انجمن علمی فعال شده بود و بعد از شهادت او روبرو افول گذشت. هر چند که در دوره اخیر باز وضعیت رو به بهبود است.

پرواز به سوریه

سال ۹۵ اوج افتخارات گروه هوافضای دانشگاه پیامنور بود که دل یک نفر هوای سوریه می‌کند. هوایی که در سرش می‌نشیند و او را چله‌نشین می‌کند. سلیمانی به نقل از خانواده شهید می‌گوید: «شهید در آن سال ۴۰ روز روزه گرفت و هر روزش را به حرم مطهر رفت تا راهی سوریه شود. آن وقت‌ها می‌گفتند خیلی‌ها برای پول به سوریه می‌روند، ولی محمد اسدی نیاز مالی نداشت. مغازه و درآمدش روبه‌راه بود. سلیمانی ادامه می‌دهد: شخصیت شهید به گونه‌ای بود که تیم ما را با حال و هوای خودش شکل داد. او نیروهایی تربیت کرد که هر کدام از آن‌ها اکنون جایگاهی دارند. به یک نفر شهرداری فلان شهرستان را پیشنهاد کرده‌اند، یک نفر دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه فردوسی است و....»

شهادت

خبر شهادت محمد اسدی دانشگاه را عزا دار می‌کند. ازدست دادن این پستوانه، غم سنگینی برای همه اطرافیان‌ش بود. از نگهبان تا رئیس دانشگاه عزا دار بودند. آن‌ها نمی‌دانستند شهید فرمانده گردان «غلامان عباس» بوده است. در یک سال مفقود الاثر بودنش هنوز امیدی به بازگشتش بود، اما تنها پیکر متلاشی او کشف و بازمایش دی‌ان‌ای شناسایی شد و در ۲۲ شهریور ۹۶ به وطن بازگشت.

دانشگاه رخ نداد. اما اولین بار تیم رباتیک با کسب مقام در همان سال این تحریم را شکست و بعد از آن هم ما این تحریم‌ها را شکستیم و با حضور مداوممان و تلاش فراوان بچه‌ها در این زمینه ساختار شکنی کردیم.

برگزاری اولین مسابقات هوافضا در دانشگاه پیامنور مشهد

بچه‌ها سال گذشته اولین دوره مسابقات هوافضای سراسری را به میزبانی دانشگاه پیامنور برگزار کردند. مسابقاتی که در سه بخش دانش‌آموزی، دانشجویی و بخش ویژه و در سه روز متوالی برگزار شد. سلیمانی می‌گوید: به خاطر جایگاهی که دانشگاه پیامنور به دست آورده بود، از این مسابقات استقبال بسیار خوبی شد. ۷۶ تیم از سراسر کشور در ۵ لیگ شرکت کردند. دانش‌آموزان هم در کنار دانشجویان قرار داشتند. در این مسابقات خودمان در بخش گلابدر اول و دوم و در بخش طراحی مفهوم پهباد دوم شدیم. او ادامه می‌دهد: این مسابقات با کیفیت بالا و در بهترین سالن مشهد که مناسب برگزاری مسابقات ما باشد برگزار شد. برای رفاه حال شرکت کنندگان هتل سه ستاره برای اسکان آن‌ها گرفتیم که درست روبه‌روی زمین ورزشی قرار داشت. ورودی هر شرکت کننده هم ۱۵ هزار تومان بود، در حالی که همین امسال هزینه هر تیم سه نفره مسابقات بوشهر ۱۴۵ هزار تومان است.

یک بال درست کنید که من هم بتوانم سوارش شوم!

در همه این دوران و افتخار آفرینی‌ها محمد اسدی بین بچه‌ها حضور داشت. گاه ساعت‌ها می‌نشست و کار بچه‌ها را تماشا می‌کرد و به شوخی

ندادن بود چه به آن‌ها در دوره‌های مختلف و به بهانه‌های متفاوت بود. مثلاً یکبار می‌گفتند دیر در خواست دادید یا بعدها فاکتور بیاورید و همین می‌شد که آن‌ها با هزینه شخصی به مسابقات می‌رفتند ولی آنجا باید به نام دانشگاه مسابقه می‌دادند. گاهی اوقات هم سنگ اندازی‌هایی می‌شد مثلاً می‌گفتند: چرا گروه‌شان خانم و آقا است؟!

سلیمانی ادامه می‌دهد: مشکل دیگرمان این بود که مسئولان برای زمان اضطراب نداشتند. مثلاً وقتی یک طرح یا درخواست هزینه مسابقه را به دانشگاه ارائه می‌دادیم، می‌گفتند باید در شورای فرهنگی مطرح شود. آنجا که می‌رفت، می‌گفتند مرکز مشهد باید بررسی کند. شاید برای تشکیل یک جلسه برای تأیید طرح، یک ماهه ونیم زمان می‌گذشت، در حالی که برای ما از دست دادن زمان مسئله مهمی است.

تحریم شکنیم

«ما تحریم شکنیم!» این را سلیمانی در ادامه حرف‌هایش می‌گوید و ادامه می‌دهد: ما دانشجویهای پیامنور یک جور هایی تحریم هستیم. کلاس‌هایمان غیر حضوری است، کار فوق برنامه خاصی نمی‌توانیم انجام بدهیم و.... همین دلیلی است که تا سال ۸۹ اتفاق تکان دهنده‌ای برای افتخار آفرینی



سال ۹۵ اوج
افتخارات گروه
هوافضای
دانشگاه پیامنور
بود که دل یک
نفر هوای سوریه
می‌کند. هوایی
که در سرش
می‌نشیند و او
را چله‌نشین
می‌کند.
سلیمانی به
نقل از خانواده
شهید می‌گوید:
«شهید در آن
سال ۴۰ روز
روزه گرفت و
هر روزش را به
حرم مطهر رفت
تا راهی سوریه
شود. آن وقت‌ها
می‌گفتند
خیلی‌ها برای
پول به سوریه
می‌روند، ولی
محمد اسدی
نیاز مالی
نداشت. مغازه
و درآمدش
رو به راه بود